فرهیختگان
@farhikhtegandaily
WWW.FDN.IR

الگوی فقرزدایی در سه قاره جهان

بررسی تجارب جهانی نشان می‌دهد اجرای برنامه «مشاغل عمومی» به‌عنوان یکی از راهکارهای کاهش فقر در برخی کشورها نتایج مناسبی داشته است

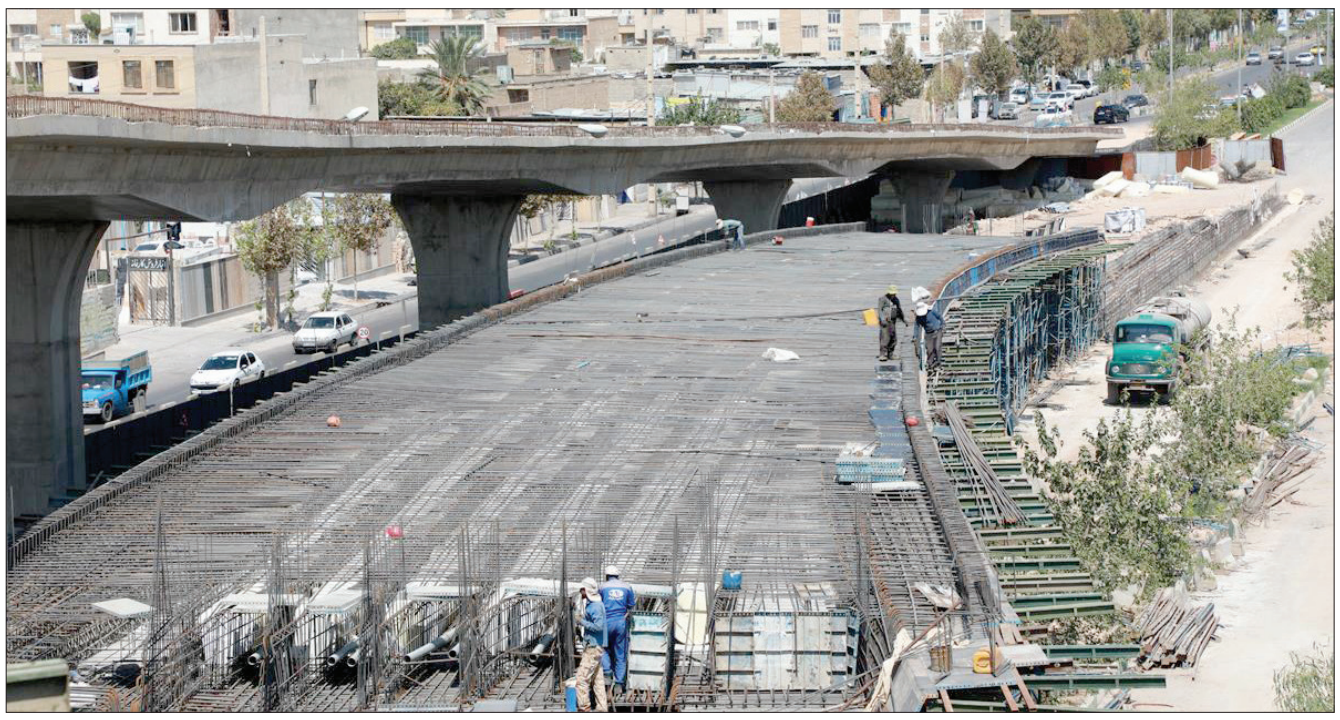

فرهیختگان حمایت اجتماعی یکی از عناصر اصلی ذیل سیاستگذاری اجتماعی است که بخش قابل توجهی از بودجه عمومی دولت‌ها به آن اختصاص می‌یابد. نظام حمایتی بسته به شرایط اقتصادی و اجتماعی کشورها بر سه ابزار سیاستی مبتنی است: ۱- مساعدت اجتماعی، ۲- بیمه‌های اجتماعی حمایتی و ۳- مشاغل عمومی. از اوایل دهه ۱۹۹۰ این باور موردتوجه قرار گرفت که فقر علاوه‌بر ماهیت توزیعی، مساله‌ای ارتباطی به‌شمار می‌آید و فقرا اگر با ازدست دادن روابط اجتماعی، از فرآیندهای جامعه طرد شوند، با مسائل و مشکلات پیچیده‌تری مواجه می‌شوند. ازاین‌رو بهبود وضعیت اقتصادی فقرا توأم با ادغام آنها در جامعه اهمیت یافت و مولفه‌هایی نظیر توانمندسازی و ادغام اجتماعی مدنظر قرار گرفت. براین اساس، مشاغل عمومی به‌عنوان ابزاری حمایتی در چارچوب رویکرد رفاه در ازای کار در دستورکار دولت‌ها قرار گرفت تا ضمن کاهش فقر، توانمندی اجتماعی و مهارتی فقرا را موجب شود. این ابزار همچنین به‌عنوان شیوه‌ای کارآمد برای هدفمندی منابع حمایتی دولت‌ها مدنظر قرار دارد. برنامه‌های مشاغل عمومی با تعیین دستمزدی پایین‌تر از حداقل دستمزد قانونی، شرایطی را فراهم می‌کنند تا صرفا افراد نیازمند به برنامه بپیوندند. درواقع مشاغل عمومی ابزاری است که برای کارآمدی بیشتر منابع حمایتی بر شیوه خود هدفمندی مبتنی است. امروزه بیش از ۵۰ کشور جهان از برنامه‌های مشاغل عمومی در راستای کاهش فقر استفاده می‌کنند. مشاغل عمومی درواقع یکی از ابزارهای حمایتی دولت‌ها هستند که ضمن کاهش فقر، توانمندی اجتماعی و مهارتی فقرا را افزایش می‌دهند. این ابزار همچنین به‌عنوان شیوه‌های کارآمد برای هدفمندی منابع حمایتی دولت‌ها عمل می‌کند. مصداق مشاغل عمومی در روستاها کمک به حفظ محیط‌زیست، گسترش آبخیزداری و بیابان‌زدایی و در شهرها گسترش خدمات بهداشتی، ورزشی، آموزشی و مراقبتی است.

تجارب جهانی اجرای برنامه‌های مشاغل عمومی نشان می‌دهد که این برنامه‌ها باوجود برخی کاستی‌های اجرایی، به‌دلیل مهارت‌افزایی و پیوندهای کاری که برای افراد ایجاد می‌کنند، به اشتغال بلندمدت‌تر آنها منجر می‌شوند و علاوه‌بر کاهش فقر بر کاهش نرخ بیکاری نیز تاثیرگذار هستند. برنامه‌های مشاغل عمومی در طول دهه‌ها در کشورهای مختلفی به اجرا درآمده‌اند که در ادامه گزارش به برخی از این برنامه‌ها در کشورهای آلمان، هند و آرژانتین می‌پردازیم. قابل‌ذکر است، بخش‌هایی از این گزارش خلاصه‌ای از گزارش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با عنوان «مشاغل عمومی، آخرین راه نجات از بیکاری گسترده» است.

تجربه مشاغل عمومی در آلمان

سابقه اجرای برنامه‌های مشاغل عمومی در آلمان به دهه ۱۹۳۰ بازمی‌گردد. در این دوران، رکود اقتصادی بزرگ، کشور آلمان را با بحرانی عمیق مواجه ساخت. تولید ناخالص داخلی در فاصله سال‌های ۳۲-۱۹۲۸ بیش از ۲۰ درصد کاهش پیدا کرد و به‌تبع آن شمار بیکاران و فقر ناشی از آن به‌سرعت روبه افزایش گذاشت و از ۶۵۰ هزار نفر به بیش از ۶ میلیون نفر رسید؛ نرخ بیکاری نیز از حول‌وحوش هشت درصد به حدود ۳۰ درصد رسید. بسیاری از کارخانه‌ها تعطیل شدند و در واحدهای فعال ظرفیت تولیدی به‌شدت کم شد، به‌نحوی که میزان تولید صنعتی آلمان در سال ۱۹۳۲ حدود ۵۸ درصد در سال ۱۹۲۸ بود. در پی این بحران، دولت آلمان در مواجهه با بیکاری گسترده و رکود اقتصادی، برنامه مشاغل عمومی را به‌اجرا گذاشت. درطول سال‌های ۳۷-۱۹۳۳، ذیل برنامه مشاغل عمومی پروژه‌هایی چون احداث بزرگراه‌ها، گسترش شبکه راه‌آهن، ایجاد کانال‌های آبی و ایجاد نیروگاه‌های برق به اجرا درآمدند. درنتیجه اجرای این برنامه‌ها، تعداد بیکاران از ۶ میلیون نفر در سال ۱۹۳۳ به ۱/۸ میلیون نفر در سال ۱۹۳۷ رسید. همچنین در فاصله سال‌های ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۸، مصرف مواد غذایی حدود ۱۷ درصد، نساجی و پوشاک بیش از ۲۵ درصد و لوازم‌خانگی ۵۰ درصد افزایش یافت و رشد تولید ناخالص داخلی به نرخ سالانه ۱۱ درصد رسید. تجربه جدیدتر آلمان در زمینه اجرای برنامه‌های مشاغل عمومی به سال ۱۹۹۰ مربوط است. پس از اتحاد دو بخش شرقی و غربی آلمان در اکتبر سال ۱۹۹۰، آلمان شرقی با بحران اقتصادی عمیقی مواجه شد که طی آن بسیاری از بنگاه‌های صنعتی و خدماتی تعطیل شدند و نرخ بیکاری از صفر درصد در سال ۱۹۹۰ به حدود ۲۰ درصد در سال ۱۹۹۱ رسید. در واکنش به این بحران، اجرای برنامه مشاغل عمومی مجددا در دستورکار قرار گرفت. در سال ۱۹۹۲، یعنی دوران اوج این طرح، به‌طور متوسط ۴۰۰ هزار نفر در این برنامه شرکت کردند. با این حال، از سال ۱۹۹۲ مقیاس برنامه کاهش یافت، به‌نحوی که در سال ۱۹۹۷ به‌طور متوسط ۲۰۰ هزار نفر در برنامه شرکت کردند. مزد تعیین‌شده برای کارکنان برنامه حدود ۷۵ درصد مزد رایج در بازار بود و هر متقاضی می‌توانست تا ۱۲ ماه در پروژه‌های مشاغل عمومی کار کند. البته هدف از اجرای این برنامه صرفا مقابله با بیکاری نبود، بلکه به‌عنوان ابزاری برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های صنعتی، ازجمله برای پاکسازی آلاینده‌های زیست‌محیطی و برچیدن واحدهای صنعتی ازکارافتاده نیز به‌کار گرفته شد. براساس قانون، پروژه‌های مشاغل عمومی باید برای جامعه دارایی مفیدی خلق می‌کرد و درعین‌حال رقیب بخش خصوصی نبود. به‌سخن دیگر نباید کالایی را تولید می‌کرد که در بازار عرضه می‌شد.

همچنین کارکردهای اجتماعی نیز در این برنامه‌ها محوریت داشت، چراکه فرض می‌شد افراد در دوره بیکاری ولو آنکه تحت حمایت مالی باشند، چه‌بسا با مسائل و آسیب‌های اجتماعی مواجه شوند. به‌عبارتی برنامه‌های مشاغل عمومی به ادغام‌شدگی افراد بیکارشده در مناسبات رسمی جامعه تداوم می‌بخشند و از طرد شدن آنها جلوگیری می‌کنند. مشارکت افراد دارای تحصیلات عالی در پروژه‌های مشاغل عمومی در طول زمان افزایش یافت، به‌نحوی که از پنج درصد در سال ۱۹۹۱ به ۱۹ درصد در سال ۱۹۹۴ افزایش پیدا کرد. به این ترتیب این برنامه هم نیروی کار ماهر و هم نیروی کار غیرماهر را تحت پوشش قرار داد.

تجربه مشاغل عمومی در هند

در سال ۲۰۰۵ جمعیت روستایی هند، ۷۰/۷ درصد از جمعیت کل کشور را تشکیل می‌داد. همچنین در این سال ۴۱/۸ درصد از این جمعیت روستایی زیرخط فقر زندگی می‌کردند. اگرچه هند درطول دهه‌های اخیر رشد اقتصادی بالایی را هم در شهرها و هم در روستاهای خود تجربه کرده است، اما میزان نابرابری درآمدی در بخش کشاورزی این کشور بسیار بالاست، به‌طوری که در یک بررسی صورت گرفته مابین سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۱۳، ضریب جینی در بخش کشاورزی هند را ۰/۶۰ ارزیابی می‌کند. باتوجه به این مساله دولت هند در طول سال‌ها، مجموعه‌ای از طرح‌های اجتماعی را برای کاهش فقر روستایی معرفی کرده که یکی از برجسته‌ترین این طرح‌ها «قانون ملی تضمین اشتغال روستایی ماهاتما گاندی» است. این قانون، ایجاد اشتغال مزدبگیری صدروز در سال را برای هر خانوار روستایی جویای کار ضمانت می‌کند. مطابق با این قانون برنامه مشاغل عمومی باید تقاضامحور باشد و شهروندان در شناسایی مشاغل سودمند و تصمیم‌گیری درباره آنها مشارکت داشته باشند. همچنین این قانون کارگران غیرماهر را در اولویت قرار می‌دهد. از طرفی نیز برای تسهیل دسترسی کارگران، این مشاغل باید حداکثر در فاصله پنج کیلومتری محل سکونت متقاضی فراهم شوند. برنامه مشاغل عمومی در هند که منشأ آن قانون تضمین اشتغال روستایی است، خصلتی تمرکززدا دارد و کار را به‌عنوان یک حق انسانی به‌رسمیت می‌شناسد. این برنامه در مقیاسی وسیع و در سطح ملی و ایالتی اجرا می‌شود، بنابراین اجرای آن مستلزم وجود سیستم‌هایی شفاف به‌منظور اطمینان از کارایی و اثربخشی است. برای دستیابی به این هدف، سیستم نظارتی حاکم بر اجرای این برنامه بر مبنای تکنولوژی اطلاعات طراحی‌شده است. برای مثال اطلاعات مربوط به حضوروغیاب کارگران در محل اجرای پروژه به‌طور روزانه ثبت‌شده و پس از تایید از طریق تلفن همراه به پایگاه مرکزی داده‌های برنامه ارسال می‌شود و در این پایگاه به‌روزرسانی شده و در دسترس عموم قرار می‌گیرد. پرداخت فورا مزد نیز از طریق کارت‌های هوشمند و با استفاده از فناوری اثر انگشت انجام می‌شود، همچنین سیستم الکترونیکی مدیریت منابع مالی از طریق برقراری ارتباط دفاتر مکان‌های اجرای پروژه با پایگاه داده‌های مرکزی و پایگاه‌های اطلاعاتی بانک، امکان انجام تمام‌پرداخت‌های برنامه را فراهم می‌آورد. از هنگام آغاز اجرای برنامه تضمین اشتغال روستایی در سال ۲۰۰۶ تا سال ۱۲-۲۰۱۱، این برنامه بیش از ۵۰ میلیون خانوار، یعنی ۳۰ درصد از کل خانوارهای روستایی را تحت تاثیر قرار داده است. زنان یکی از گروه‌هایی بودند که مشارکت قابل‌توجهی در برنامه MGNREGA داشتند. به‌طور میانگین نرخ مشارکت زنان در این برنامه در سال ۷-۲۰۰۶، بیش از ۳۹ درصد و در سال ۱۲-۲۰۱۱، حدود ۴۸ درصد بوده است.

دستمزد کارگران در ایالات مختلف متفاوت است اما به‌طور میانگین کارگران تحت‌پوشش این طرح در سال مالی ۷-۲۰۰۶ روزانه ۱/۹۴ دلار دریافت می‌کردند که این میزان در سال ۲-۲۰۱۱ به ۲/۶۴ دلار و در سال ۲۰۲۰ به ۳/۵۹ دلار رسیده است. لازم به‌ذکر است که ۹۰ درصد از منابع مالی این برنامه توسط دولت هند و ۱۰ درصد باقی‌مانده توسط دولت‌های ایالتی تامین می‌شود. این برنامه در ۱۰ سال نخست اجرای خود توانست بازار کار روستایی را به نفع کارگران غیررسمی بخش کشاورزی هند متحول کند. به‌نحوی که اجرای تنها برخی از مفاد قانون، وابستگی روستاییان را به رباخواران و میزان مهاجرت‌های اجباری را درمیان آنها کاهش داد. بااین‌حال، یکی از ارزیابی‌های صورت گرفته از این برنامه در سال ۲۰۱۶، حاکی است که مشارکت روستاییان در طرح، مابین سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۵ کاهش‌یافته است. بنابر ارزیابی این روند نزولی نشانگر آن است که در این برنامه، مفادی چون امنیت معیشت از طریق ایجاد اشتغال و خلق دارایی‌های بادوام برآورده نشده‌اند. دشواری‌های فرآیند اجرایی ازجمله تاخیر در پرداخت دستمزدها و اختصاص مشاغل و همچنین ادعای فساد در فرآیند ثبت‌نام، روستاییان را از تقاضای شغل تحت این برنامه منصرف ساخت. سایر مشکلات این برنامه به فقدان آگاهی عمومی از آن، سوءمدیریت و ظرفیت نهادی پایین مربوط بودند.

تجربه مشاغل عمومی در آرژانتین

اوایل دهه ۱۹۹۰ مقررات و سیاست‌های حوزه کار در آرژانتین تحت تاثیر مدل‌های نئولیبرالی بازتعریف شدند. در این دوره، دولت فدرال طیفی از سیاست‌ها را در دستور کار قرار داد که طی آن فرآیندهای استخدام انعطاف بیشتری پیدا کرد، اخراج نیروی کار راحت‌تر شد و قراردادهای استخدام موقت افزایش پیدا کرد. یکی از پیامدهای سیاست‌های جدید افزایش شدید و بی‌سابقه نرخ بیکاری بود که براساس داده‌های بانک جهانی از ۵ درصد در سال ۱۹۹۱ رو به افزایش گذاشت و بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۳ به حدود ۱۵ درصد و در برهه‌هایی نیز به ۲۰ درصد رسید. در پاسخ به افزایش شدید نرخ بیکاری، در دو دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ دولت چهار برنامه ایجاد اشتغال مبتنی‌بر آزمون طراحی و اجرا کرد. دو برنامه اجراشده در دهه ۱۹۹۰، Trabajar I و Trabajar II گستره محدودی داشتند و در واکنش به اعتراضات گسترده، در برخی استان‌های آرژانتین اجرا شدند؛ اما برنامه‌های Jefes یا «سرپرست خانوار» که از ۲۰۰۱ به این سو اجرا شدند، تعداد بسیار بیشتری را تحت پوشش قرار داده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد آمار بیکاری با شروع برنام Jefes به‌شدت کاهش یافته است، به‌طوری که نرخ بیکاری در آرژانتین از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۱، با افت‌وخیزهایی روند افزایشی داشته است. در سال ۲۰۰۱ و همزمان با آغاز گسترده‌ترین برنامه مشاغل عمومی آرژانتین با عنوان «سرپرست خانوار»، این نرخ رو به کاهش گذاشته و از حدود ۲۰ درصد در سال ۲۰۰۱ به ۷/۸ درصد در سال ۲۰۰۹ رسیده است.

دولت آرژانتین، شرکت‌کنندگان در این برنامه را در شمار افراد شاغل به حساب می‌آورد اما مشخص نیست که آیا شرکت در Jefes به کسب مشاغلی پایدار برای افراد منجر می‌شود یا خیر. این برنامه‌ها نیروی کار غیرشاغل خانوارهای فقیر را که پیش‌تر در بخش غیررسمی فعال بودند، هدف قرار دادند. در این برنامه‌ها افراد به ازای انجام کار در محل زندگی خود، ماهانه پول دریافت می‌کنند. حداقل دستمزد تعیین‌شده برای این برنامه‌ها حدود ۷۵ درصد درآمد کارگر معمولی در پایتخت آرژانتین است و شامل بیمه درمانی و بیمه حوادث هم می‌شود. در ابتدا این برنامه‌ها روی توسعه زیرساخت‌هایی مانند آب‌رسانی، برق‌رسانی، شبکه‌های جمع‌آوری فاضلاب و زیرساخت‌های آموزشی و فرهنگی تمرکز داشتند، سپس ارائه خدمات اجتماعی مانند تاسیس نوانخانه‌ها و غذاخوری‌ها موردتوجه قرار گرفت و درنهایت این برنامه‌ها به جذب افراد تحصیل‌نکرده‌تر به‌طور مثال برای ارائه مشاوره در مباحث اجتماعی یا ارائه مشاوره به افراد و خانوارهای فقیر نیز روی آوردند. زنان و جوانان از گروه‌های فعال در این برنامه‌ها بودند. دستمزدهای پرداخت‌شده یکسان بوده است. همچنین مبالغ پرداخت‌شده به نیروی کار جوان مشروط به اختصاص بخشی از ساعات کار روزانه به مهارت‌آموزی می‌شد.

تامین مالی تمامی برنامه‌های مشاغل عمومی مستقیما از محل مالیات و فروش اوراق و... فراهم‌شده است. در برنامه «سرپرست خانوار» وزارت کار، اشتغال و تامین اجتماعی در آرژانتین، از سوی دولت فدرال، بودجه اختصاص داده‌شده به برنامه‌ها را به استان‌ها می‌فرستد و این بودجه به شهرداری‌های مختلف تخصیص می‌یابد. شهرداری‌ها پس از شناسایی نیازها و منابع موجود در محلات، پروژه‌های پیشنهادی سازمان‌های غیرانتفاعی یا مردم‌نهاد محلی را بررسی می‌کنند. سپس ذی‌نفعان برنامه در جریان پروژه، محل و زمان اجرای آن قرار می‌گیرند. دولت فدرال تنها ۶۰ درصد هزینه‌های پروژه‌ها را تامین می‌کند. باقی این هزینه‌ها را دولت‌های محلی و سازمان‌های مردم‌نهاد اجراکننده باید با منابع موجود خود متقبل شوند. دولت‌های محلی، همچنین مسئول تهیه و نگهداری یک پایگاه داده برای ثبت اطلاعات مربوط به ذی‌نفعان و رصد تمامی پروژه‌ها هستند. این اطلاعات باهدف افزایش شفافیت و کاهش فساد در دسترس عموم قرار می‌گیرند. ارزیابی‌های صورت گرفته از طرح‌های مشاغل عمومی در آرژانتین حاکی از گسترش سریع پوشش و افزایش منابع مالی این برنامه‌ها است. در سال ۲۰۰۲، برنامه PJDH به‌تنهایی ۱/۵ میلیون سرپرست خانوار را پوشش می‌داد و ۵/۷ درصد هزینه دولت فدرال را تشکیل می‌داد. برنامه‌های «سرپرست خانوار» که از سال ۲۰۰۱ به بعد اجراشده‌اند، نرخ بیکاری را در آرژانتین حدود ۲/۵ کاهش داده و ۲ درصد جمعیت کشور را قادر به تامین هزینه غذا کرده‌اند. همچنین تخمین زده می‌شود که در نبود این برنامه‌ها ۱۰ درصد مشارکت‌کنندگان به زیرخط فقر غذایی سقوط می‌کردند. بااین‌حال این برنامه‌ها کاستی‌هایی نیز داشته‌اند، ازجمله اینکه تخصیص سلیقه‌ای بودجه بعضا مانع از دستیابی نیازمندترین افراد به مزایای آنها شده است، جمعیت هدف در اغلب موارد از این پروژه‌ها بی‌اطلاع بوده‌اند، پرداخت‌های ماهیانه به‌موقع انجام نمی‌شد، عدم تامین مالی بعضا باعث اجرا نشدن طرح‌های مصوب شده است و در برخی موارد نظارت‌های دوره‌ای توسط سازمان‌های مسئول انجام‌نشده است.

یادداشت

جوابیه مجلس شورای اسلامی به گزارش روزنامه «فرهیختگان»

قیر رایگان رانت‌زا نیست!

روزنامه «فرهیختگان» در گزارش «ابهام‌های سیاه حواله‌های قیر» خود در مورخ سه‌شنبه ۲۷ آبان‌ماه به ابعاد متفاوت از توزیع قیر رایگان توسط دولت به دستگاه‌های ذی‌ربط پرداخت. محور اصلی این گزارش بند «ه» تبصره یک بودجه بوده که دولت را موظف به توزیع مقادیر قابل‌توجهی قیر رایگان بین دستگاه‌های دولتی می‌کند. نمایندگان مجلس یازدهم با رفع ایرادات و اصلاحات مدنظر شورای نگهبان، سرانجام طرح را در هفته گذشته به تایید نهایی رسانده‌اند. در گزارش مذکور عنوان شده بود که ظاهرا نمایندگان مجلس شورای اسلامی مشکلات قبلی را حل کرده‌اند؛ چراکه ۱- اولا تهاتر و فروش قیر را ممنوع کرده‌اند، ۲- به‌جای ۴ میلیون تن قیر رایگان، مقدار قیر یارانه‌ای را به یک میلیون تن در سال رسانده‌اند، ۳- قرار است قیر صرفا به مصرف پروژه‌های عمرانی برسد، ۴- گزارش عملکرد مصرف قیر به مجلس ارائه شود. اما باوجود اینها، مجددا به دلایل زیر که به‌طور خلاصه از گزارش قبل گرفته شده است، نسبت به اجرای طرح هشدارهایی داده شد. علت وجود شائبه رانت و فساد در این طرح؛ ۱- ایجاد رانت ۳۶ درصدی برای قیرسازها، ۲- اختصاص ۵ تا ۵/۵ هزار میلیارد تومان از بودجه عمرانی کشور به این طرح، می‌تواند پروژه‌های اولویت‌دار را از رده خارج کند، ۳- تضمینی وجود ندارد که حتی باوجود اصلاحات انجام‌شده در این طرح، فسادی در آن رخ ندهد. در همین راستا مدیریت فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی جوابیه‌ای در پاسخ به گزارش روزنامه «فرهیختگان» ارسال کرده که متن کامل آن در ادامه می‌آید. قابل‌ذکر است روزنامه «فرهیختگان» نیز نکاتی را در پاسخ به جوابیه مدیریت فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی در انتها متذکر شده است.

متن جوابیه

نظر به انتشار مطلبی با عنوان «ابهام‌های سیاه حواله‌های قیر» در صفحه یک و هشت آن روزنامه در روز سه‌شنبه مورخ ۲۷ آبان سال جاری، مصوبه مجلس شورای اسلامی درخصوص تامین قیر برای پروژه‌های عمرانی مورد نقد و بررسی قرار گرفته، شایسته است توضیحاتی را به‌منظور تنویر افکار عمومی در آن روزنامه محترم منتشر سازید.

در مطلب منتشرشده که به بررسی برخی زوایای این مصوبه پرداخته است، عنوان شده «باوجود برخی تغییرات رانتی حواله در سال‌های گذشته همچنان مکانیسم چند هزار میلیاردی تامین طرح‌های عمرانی سوال‌برانگیز است» در این زمینه باید متذکر شد که نگرانی‌ها نسبت به مصوبه مجلس درباره بند «ه» تبصره یک قانون بودجه، ناظر به قانون بودجه سال ۹۸ و قبل از آن است که نمایندگان برای حل این نگرانی در طرح جدید سعی در رفع ایرادات کرده، به‌طوری که در مصوبه مجلس یازدهم تمامی نواقص رفع شده است. بر اساس اصلاحات صورت گرفته، اولا سهمیه قیر فقط به پروژه‌هایی تخصیص می‌یابد که یا جزء پژوهه‌های عمرانی مندرج در قانون بودجه یا جزء طرح‌های اولویت‌دار استان و شهرستان باشند، بنابراین این قیر فقط به پروژه‌های عمرانی جاری اختصاص می‌یابد و دولت اجازه ندارد تا از این قیر جهت پرداخت بدهی خود به پیمانکاران استفاده کند. ثانیا مصرف قیر براساس فهرست بهای پروژه و با نظارت دستگاه‌های ناظر صورت می‌پذیرد، لذا هرگونه امکان سوءاستفاده دستگاه یا پیمانکار از قیر را نفی می‌کند و لذا ایرادات قانون قبل که امکان ایجاد رانت و سوءاستفاده‌های مالی را موجب می‌شد، رفع شده است. گفتنی است، نمایندگان در مصوبه اخیر خود همچنین اقدام به رفع ایراداتی که منجر به ایجاد بی‌انضباطی بودجه و افزایش سرجمع بودجه ۹۹ شود، کردند. در طرح مصوب شورای محترم نگهبان تاکید شده که ۴ هزار میلیارد تومان تخصیص داده‌شده برای قیر از سرجمع بودجه عمرانی کسر می‌گردد و این امر نیز به جهت محدودیت منابع دولت در تامین صددرصدی بودجه عمرانی سال جاری، هم به نفع دولت و هم به نفع طرح‌های عمرانی است و عملا ایراد بی‌انضباط نمودن بودجه، محلی نخواهد داشت. قیر یکی از فرآورده‌های جانبی برج‌های پالایشگاهی بوده که تولید آن لاجرم است و کشور با تولید سالانه بیش از ۶ میلیون قیر، به‌دلیل محدودیت در صادرات، میلیون‌ها تن قیر در انبارهای خود و کارخانه‌های قیرسازی ذخیره دارد و انجام این طرح نه‌تنها مشکل انبارداری و ذخیره‌سازی قیر را حل خواهد کرد، بلکه در زمانی که دولت به‌جهت کسری بودجه امکان تامین بودجه عمرانی را ندارد، می‌تواند اقدامی هوشمندانه در زمینه انجام طرح‌های عمرانی و بالطبع ایجاد اشتغال و بهبود حال شهرها و روستاها تعبیر گردد.

علیرضا شریفی/مدیرکل فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی

پاسخ روزنامه «فرهیختگان»

ضمن قابل احترام بودن مطالب طرح‌شده در جوابیه مجلس شورای اسلامی، باوجود نکات و ابهامات زیر همچنان ریسک اجرای قانون‌مند و بدون رانت «توزیع قیر رایگان» بالا خواهد بود:

۱- در پاسخ به بند اول و دوم جوابیه مجلس شورای اسلامی که در آن به منع استفاده دولت از قیر رایگان به‌عنوان ابزار تسویه بدهی اشاره شده است، می‌توان عنوان کرد که چنین مساله‌ای ضمانت اجرایی ندارد و احتمال ادامه رویه سال‌های پیش، بیشتر است. نظارت بر عملکرد دولت و پیمانکاران محترمی که قیر رایگان را دریافت کرده، غیرممکن نبوده، اما تجربه‌های اخیر نشان داده است که ایجاد فاصله قیمتی برای کالایی در بازار دولتی نسبت به بازار آزاد درنهایت منجربه نفوذ رانت‌خواران و سوءاستفاده دلالان در بازارهای غیررسمی خواهد شد. تجربه ناموفق واردات خوراک دام با ارز ترجیحی با نظارت وزارت صمت و همچنین وزارت جهاد کشاورزی از نمونه‌های بارزی است که در هفته‌های اخیر بازار دام و طیور کشور را با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو کرده است. رانت موضوع نهاده‌های دامی حالا چندین هفته است در کمیسیون اصل ۹۰ نیز مطرح شده و جزئیات تخلفات در صحن علنی نیز قرائت شده است. سوال این است که چرا باوجود اینکه دولت خود امسال هم واردکننده نهاده‌های دامی بوده و هم از سامانه بازارگاه و ظرفیت تعاونی‌ها استفاده کرده، اما بازهم شاهد تخلفات زیاد در این حوزه بوده‌ایم. آیا ممکن است این اتفاق در حوزه قیر هم تکرار شود؟

۲- در پاسخ به بند آخر جوابیه که به لزوم استفاده از قیرهای ذخیره‌شده در انبار کارخانه‌ها اشاره دارد، می‌توان این نکته را ابراز کرد که برخلاف آنچه در این جوابیه آمده و مقدار تولید سالانه قیر کشور ۶ میلیون تن ذکر شده، اما بررسی آمارهای وزارت صمت نشان می‌دهد ظرفیت اسمی تولید قیر در کشور حدود ۴/۵ میلیون تن است که درعمل میزان تولید ۳/۵ میلیون تن گزارش شده است. از سویی دیگر همچنین براساس آمارهای رسمی، میزان متوسط مصرف سالیانه این فرآورده نفتی نیز درحدود ۱/۸ تا ۲/۵ میلیون تن است. از طرف دیگر باتوجه به اینکه ۲۰ درصد از قیر تولیدی در کشور از سازوکار شفاف بورس کالا انجام می‌شود، ممکن است اجرای طرح مجلس بدون نظارت‌های کافی و همچنین بسته‌بودن مرزهای رسمی صادرات این کالا درنهایت به افزایش قاچاق قیرهای رایگان و بالاتر رفتن قیمت این محصول در بازار آزاد منجر شود.